

تاریخ جراحی

بریتانیای کبیر و ایرلند در سده نوزدهم

برگرفته از کتاب تاریخ مصور جراحی

دکتر مصطفی جابرائصاری*

در سال 1847 و متعاقب مرگ غیرمنتظره لیستون، کرسی استادی جراحی بالینی بیمارستان کالج دانشگاه در لندن به سیم پیشنهاد شد و وی نیز پذیرفت. در فوریه سال 1848 سیم به لندن نقل مکان نمود ولی از زندگی نوین خود راضی نبوده و درمان جولای به ادینبورگ بازگشت و مقام پیشین خود را که همچنان بدون تصدی بود بازستاند.

قسمت اعظم ماندگارترین افزوده‌های سیم به دانش جراحی در سال‌های دهه 1840 صورت گرفت. همچون قطع پا از مفصل مچ پا همراه با برش مالئول‌ها و فلیپی از بافت‌های نرم پاشنه پا (1842 میلادی) سیم نخستین جراح شناخته شده اروپا بود که کاربرد بیهوشی اتر در اعمال جراحی را پذیرفت (1847 میلادی). در سال 1848 میلادی کتاب ملاحظاتی در باب پاتولوژی و اعمال جراحی را تألیف نمود و در آن بصورت خلاصه به نقش و سهم حرفه‌ای خود تا آن زمان پرداخت. سیم شاگردان برجسته زیادی داشت که نام آورترین آنها ژوزف لیستر بود که بعدها با دختر وی ازدواج نمود.

نام سیم با اکسیژون زبان و اورتروتومی خارجی نیز مرتبط است. وی در سال 1868 میلادی از مقام خود کناره‌گیری کرده و دو سال بعد نیز درگذشت.

کرسی استادی جراحی نظامی در سال 1806 میلادی تأسیس گردید و یکی از کرسی‌های مهم جراحی پیشالیستری در ادینبورگ قرن نوزدهم بود. نخستین متصدی این کرسی که در درون دانشگاه ادینبورگ پایه‌گذاری شده بود جان تامسون (1846-1765 میلادی) بود که همزمان کرسی استادی جراحی کالج سلطنتی جراحان را نیز به عهده داشت. وی این مقام را به مدت 16 سال حفظ کرده بود ولی تنها اثر مکتوب وی در مورد جراحی نظامی کتابی بود با عنوان گزارش مشاهدات صورت گرفته از بیمارستان نظامی بریتانیا در بلژیک پس از جنگ واترلو (1816 میلادی). تامسون در سال 1822 میلادی از مقام خود کناره‌گیری نموده و پس از آن عمدتاً به مطالعه آناتومی پاتولوژیک پرداخت. در سال 1831 میلادی کرسی پاتولوژی نیز در دانشگاه بنیاد نهاده شد و تامسون به عنوان نخستین متصدی آن انتخاب شد.

نویسنده پاسخگو: دکتر مصطفی جابرائصاری

تلفن: 7-88505595

E-mail: ansari_17@yahoo.com

*متخصص جراحی عمومی و اطفال، بیمارستان مهرداد

این سومین کرسی استادی در ادینبورگ بود که تامسون نخستین متصدی آن بود. نخستین اثر مکتوب وی مطالبی درباره التهاب، بیان دیدگاه‌ها (آموزه عمومی)، پاتولوژی، تکنیک‌های جراحی طبی (1813 میلادی) از بسیاری جهات مقدمه‌ای بود به کارهای آتی وی در زندگی پس از بازنشستگی تامسون از مقام کرسی جراحی نظامی جرج بالینگال (1855 - 1786 میلادی) به عنوان جانشین وی انتخاب شد.

بالینگال تجربیات نظامی گسترده‌ای داشت. و در سال 1806 میلادی وارد خدمت نظام شده بود و کتابی با عنوان ملاحظات عملی درباره تب - اسهال خونی و اختلالات کبدی آن گونه که در سربازان اروپایی در هند رخ داده (1822 میلادی) تألیف نموده بود. بالینگال مدت بیش از 30 سال مقام استادی را حفظ کرد و در طی این دوران کتاب‌های کالی و خلاصه‌ای از سیر مطالب درباره جراحی نظامی (1833 میلادی) را تألیف نمود. پس از مرگ بالینگال کرسی جراحی نظامی نیز از بین رفت.

در پیگیری روند رشد تحصیل و آموزش جراحی در ادینبورگ نقش و جایگاه کلاس‌های خارج دانشگاهی را نیز باید مد نظر داشت. هر یک از این مدارس خصوصی از کلاس‌هایی که در خارج فعالیت‌های آکادمیک رسمی تشکیل می‌شد و از بسیاری جنبه‌ها مدارس خصوصی متعدد (نظیر کلاس‌های واقع در میدان جراحان، میدان آرژیل، میدان براون، خانه منیتو، پارک پلیس و مدرسه نوین) جهت‌گیری آتی دانشگاه از نظر آموزش پزشکی و جراحی را تعیین و تسهیل می‌کردند. در بسیاری از موارد پرآوزه ترین اساتید جراحی ادینبورگ ابتدا در این مدارس تدریس می‌کردند. دانشکده پزشکی دانشگاه ادینبورگ در نیمه اول قرن نوزدهم در اوج شهرت خود بسر می‌برد و این امر تا حد زیادی به علت حضور جراحانی بود که در مدارس خارج دانشگاه تدریس می‌کردند.

جان لیزار (1860 - 1794 میلادی) یکی از برجسته‌ترین جراحان کلاس‌های خارج دانشگاه بود. لیزار که شاگرد جان بل بود تدریس در کلاس‌های خارج دانشگاه را در سال 1815 میلادی آغاز نمود. در سال 1831 میلادی وی به عنوان استاد جراحی کالج سلطنتی جانشین ترنر گردید. در روند انتخاب لیزار به این مقام، دشمنی و عداوت سیاسی زیادی بین وی و سیم رخ داد. در یک مورد سیم از لیزار شکایت نموده و وی را مجبور به پرداخت غرامت به علت صدور بیانیه‌ای نادرست نمود.

لیزار در سال 1839 میلادی از این سمت کناره‌گیری نمود و در نتیجه کرسی استادی نیز از بین رفت. وی اولین فردی در انگلستان بود که اقدام به اواریتومی نموده و به شیوه‌ای مناسب در کتاب وی با نام ملاحظاتی درباره برداشتن تخمدان‌های بیمار (مبتلا) (1825 میلادی) به این مسئله اشاره شده است. علاوه بر انتشار مجموعه تصاویری آناتومیک (1826 - 1822 میلادی) کتاب سیستم جراحی کاربردی (1842 میلادی) را نیز تألیف نمود.

ریچارد مکنزی (1854 - 1821 میلادی) در درمانگاه و بیمارستان سلطنتی نزد سیم به تحصیل پرداخت و جهت تکمیل آموزش‌های جراحی خود در سراسر اروپا به مسافرت پرداخت. در سال 1844 میلادی به ادینبورگ بازگشته و به عضویت کالج سلطنتی جراحان درآمد. در طی سال 1849 میلادی به تدریس در کلاس‌های خارج دانشگاهی پرداخته و سال بعد به عنوان جراح به استخدام درمانگاه و بیمارستان سلطنتی درآمد. مهمترین نقش مکنزی در پیشبرد جراحی تغییر روش سیم در آمپوتاسیون مچ پا بود که در آن فلپ پوستی از کناره داخلی ساق (1849 میلادی) تهیه می‌شد. در سال 1854 ارتش به تعدادی پزشک داوطلب جهت خدمت در کریمه (Crimea) نیاز داشت. مکنزی به عنوان جراح نظامی وارد ارتش شد و چهار ماه بعد در اثر ابتلا به وبا درگذشت.

شناخته‌شده‌ترین جراح گلاسکو در آغاز قرن نوزدهم جان برن (1850 - 1775 میلادی) بود. وی در ابتدا به صورت خصوصی آناتومی تدریس می‌نمود ولی در سال 1815 میلادی از طرف پادشاه متصدی کرسی استادی جراحی دانشگاه گلاسکو گردید. جان برن مدرسی نبود که دانشجویان را علاقمند سازد و یا به شوق آورد ولی نویسنده پرکاری بود. مهمترین کتاب وی اصول مامایی (1809 میلادی) نام داشت که ده بار تجدید چاپ شد. سایر تألیفات وی عبارتند از: آناتومی رحم باردار (1799 میلادی)، مجموعه دو جلدی مباحثی درباره التهاب (1800 میلادی)، ملاحظاتی درباره سقط (1806 میلادی)، ملاحظات کاربردی درباره خونریزی‌های رحمی (1807 میلادی)، جهت‌گیری‌های متداول در درمان بیماری‌های زنان و اطفال (1811 میلادی).

آلن برن (1813 - 1781 میلادی) از برادر بزرگتر خود جان برن شناخته شده‌تر و مشهورتر است وی در حین مطالعات اولیه نزد برادر خود به پژوهش‌های آناتومیک علاقمند شد. در سال 1811 میلادی ملاحظاتی در باب آناتومی جراحی سر و گردن را تألیف نمود که در آن فضای فاسیای بریدگی فوق استرنال را توصیف نمود. برای نخستین بار امکان‌پذیری بستن شریان بی‌نام را مطرح و نخستین مورد ثبت شده کلروما (Chloroma) (تومور بدخیم به رنگ سبز از منشاء بافت میلوئیدی که با لوسمی میلوژن همراه است و در هر جایی از بدن ممکن است دیده شود. سارکوم گرانولوستیک نیز خوانده می‌شود) را توصیف نمود. شاخه فوقانی سوراخ صافن که بخش فوقانی حاشیه داسی شکل سوراخ در فاسیا لاتا را تشکیل داده و ورید صافن بزرگ از آن عبور می‌کند به نام برن موسوم است. بعلاوه زائده داسی شکل ادامه حاشیه (کناره) داخلی لیگامان ساکروتوبروس به سمت بالا و جلو در کناره داخلی شاخه ایسکیوم نیز با نام برن مرتبط است. کتاب ملاحظاتی درباره برخی از شایعترین و مهمترین بیماری‌های قلب (1809 میلادی) حاوی توصیفی اولیه از اندوکاردیت و گزارش سه مورد تنگی میترال بود. برن به تریل همراه با تنگی میترال پی برده و بنظر می‌رسد مکانیسم ایجاد سوفل‌های قلبی را نیز درک کرده است. وی همچنین فلج یک طرفه دیافراگم ناشی از تحت فشار قرار گرفتن عصب فرنیک با آنوریسم توراسیک را توصیف کرده است.

برن از نخستین افرادی بود که آنژیین صدری را ناشی از نارسایی (بی‌کفایتی) شرایین کرونر دانست. به هنگام پایه‌گذاری کالج سلطنتی جراحان ایرلند انجام اعمال جراحی در دوبلین کاملاً محدود بود با این وجود کالج جراحان با انتخاب نخستین استاد جراحی در سال 1785 میلادی وظیفه آموزش و تربیت جراحان را به عهده گرفت. ویلیام دیز (1798 - 1752 میلادی) که کتاب ملاحظاتی درباره زخم‌های سر (1776 میلادی) را تألیف نموده بود به عنوان نخستین متصدی این کرسی انتخاب گردید. دوره تصدی وی تا زمان مرگ ناگهانی وی در اثر پارگی آنوریسم مدت 10 سال بطول انجامید.

کالج سلطنتی جراحان ایرلند در آغاز گواهینامه‌های گوناگونی از جمله دیپلم جراحی نظامی و دیپلم مامایی صادر می‌کرد. آزمون‌های کسب مدرک کاملاً دشوار بوده و غالباً دو سال طول می‌کشید. تا سال 1828 میلادی کالج قانوناً از داوطلبین گواهی حضور در کلاس‌های کالج را مطالبه نمی‌کرد و تنها مدرک لازم شاگردی به مدت 5 سال نزد یک جراح شناخته شده بود. در نیمه اول قرن کالج هم از نظر ساختاری و هم از نظر مالی شکوفا شد و موزه‌ای برای آناتومی و پاتولوژی تأسیس گردید که جان هوستون (1845 - 1802 میلادی) سرپرستی و مدیریت آنجا را به عهده داشت. نام هوستون با چین‌های عرضی رکتال (چین‌های عرضی رکتوم دریچه‌های هوستون نیز خوانده می‌شوند) مرتبط است. در سال 1835 میلادی دانشکده پزشکی کالج همچون دیگر مؤسسات و آموزشگاه‌های خصوصی دوبلین در حال شکوفایی بود. اعتبار و حرمت فزاینده جراحی موجب ایجاد کرسی جراحی در دانشگاه دوبلین در سال 1849 میلادی گردید. اگر چه تأسیس این کرسی چندان خوشایند کالج نبود، اما برای پیشگیری از ایجاد آن کار چندانس امکان‌پذیر نبود.

نفوذ و تأثیرات کالج سلطنتی جراحان ایرلند نه تنها بر جراحی بلکه در تقویت جایگاه طبابت و پزشکی عمومی دوبلین نیز مشهود بود. جان شین (1836 - 1777 میلادی)، رابرت گریوز (1853 - 1796 میلادی)، دومینیک کوریگان (1880 - 1802 میلادی) و ویلیام استوکس (1878 - 1804 میلادی) از برجسته‌ترین اطباء دوبلین بودند. آبراهام کالیس (1843 - 1773 میلادی) برجسته‌ترین جراح ایرلند عصر خود بوده و ریاست کالج سلطنتی جراحان را به عهده داشت. وی در نزدیکی کیلکنی متولد و در سال 1790 میلادی در دانشگاه دوبلین پذیرفته شد. همزمان در بیمارستان استیونس نزد یک جراح به کارآموزی پرداخت. 5 سال بعد موفق به اخذ مدرک از کالج سلطنتی جراحان گردید. با هدف پیگیری مطالعات خود دو سال را نیز در دانشگاه ادینبورگ تحصیل نموده و مدرک پزشکی دانشگاه فوق را نیز اخذ نمود. سپس مدت کوتاهی را در لندن به عنوان دستیار استلی کوپر در مطالعات آناتومیک گذراند.

در سال 1797 میلادی کالیس به دوبلین بازگشت و به عنوان جراح مقیم بیمارستان استیونس استخدام گردید و از سال 1799 تا 1813 میلادی که به عنوان جراح مشاور این مؤسسه انتخاب شد، در این مقام باقی ماند. کالیس از نظر جراحی بالینی جراح متبحری بوده و بیشتر شهرت خود را مدیون مهارت‌های تکنیکی خود است. کالیس از سال 1804 میلادی تا سال 1836 میلادی مقام استاد آناتومی و جراحی کالج سلطنتی جراحان ایرلند را به عهده داشت. در سال 1814 میلادی وی مشهورترین مقاله خود را که در آن به توصیف شکستگی انتهای تحتانی استخوان رادیوس همراه با جابجایی دست به سمت خلف و خارج می‌پردازد گزارش نمود و یک سال بعد نیز دو بیمار را که در آنها مبادرت به بستن شریان سابکلویین نموده بود، گزارش کرد.

نخستین کتاب تألیفی وی که به صورت ناقص منتشر شد، رساله‌ای در باب آناتومی جراحی (1811 میلادی) بود. در سال 1837 میلادی ملاحظات علمی درباره بیماری‌های آمیزشی و کاربرد جیوه را تألیف نمود که در آن وی فرضیه مصونیت مادر یک شیرخوار مبتلا به سیفیلیس را مطرح می‌کند؛ مادر که هرگز هیچ یک از علائم و نشانه‌های بیماری در او ظاهر نشده است. کتاب اصلی کالیس مجموعه دو جلدی با عنوان مطالبی درباره تئوری و اعمال جراحی (1745 - 1744 میلادی) است. نام کالیس با فاسیای پرینه آل سطحی، فاسیای مثلثی شکل و رشته فیبرویی که از آپونوروز عضله مایل خارجی تا تکمه پوبیسا (عانه‌ای) طرف مقابل امتداد می‌یابد و کمپارتمان سطحی پرینه مرتبط است. کالیس در سال‌های 1802 و 1830 میلادی ریاست کالج سلطنتی ایرلند را به عهده داشت. زمانی که تنها 21 سال داشت با سمت جراح بیمارستان میث (Meath) استخدام شد. وی یکی از بنیانگذاران نخستین مدارس خصوصی آناتومی و جراحی در دوبلین بود. نام وی با خطی که از نوک غضروف آخرین دنده به سمت پایین و جلو بطرف نزدیک سیتغ ایلیاک و سپس به موازات آن کمی پایین‌تر از خار قدامی فوقانی امتداد یافته و به عنوان راهنمایی برای مسیر شریان ایلیاک مشترک است، همراه است. رشته‌های شعاعی عضله مزگانی چشم نیز با نام وی خوانده می‌شوند.

ویلیام پورتر (1861 - 1790 میلادی) شاگرد کرامپتون بوده و در سال 1819 میلادی به عنوان جراح به استخدام بیمارستان میث درآمد. وی جانشین کالیس به عنوان استاد جراحی کالج سلطنتی جراحان (1836 میلادی) گردید. برجسته‌ترین اثر پورتر ملاحظاتی درباره جراحی پاتولوژیک (پاتولوژی جراحی) حنجره و تراشه (1826 میلادی) بود که در آن به توصیف کشیده شدن تراشه به سمت پایین در آنوریسم آئورت و فاسیای پره تراکئال پرداخت.

رابرت آدامز (1875 - 1791 میلادی) جراح بیمارستان‌های ریچموند و بیمارستان خیابان جرویس (Jervis) بود. در سال 1861 میلادی متصدی کرسی استادی جراحی دانشگاه دوبلین شد. گرچه آدامز یک جراح بود ولی بیشتر به علت مطالعاتش در مورد بیماری قلبی مشهور است. در سال 1827 میلادی توصیفی کلاسیک در مورد بلوک قلبی همراه با حملات سنکوپ ارائه نمود. وی به تریل همراه نارسایی میترال پی برده و نارسایی دریچه تریکوسپید (سه لتی) را شناخت. مهمترین کتاب وی رساله‌ای درباره نقرس رماتیسمی، آرتريت روماتیک مزمن تمامی مفاصل (MOV) است که به توصیفی عالی از آرتريت روماتیسمی مزمن می‌پردازد.

رابرت اسمیت (1873 - 1807 میلادی) اهل دوبلین بود و نزد ریچارد کارمیچل (1849 - 1779 میلادی) به کارآموزی پرداخت. اسمیت به عنوان نخستین استاد جراحی دانشکده فیزیک دانشگاه دوبلین (1849 میلادی) استخدام گردید. کرسی‌های آناتومی و جراحی پیش از این زمان در هم ادغام شده بود. مهمترین اثر مکتوب وی رساله‌ای درباره پاتولوژی، تشخیص و درمان نوروم (1849) نام داشت که حاوی شرح کاملی از نورفیبروماتوز ژنرالیزه بود. نام اسمیت به نوعی شکستگی انتهای تحتانی استخوان رادیوس در مجاورت سطوح مفصلی با جابجایی قطعات شکسته به سمت قدام اطلاق شده است.

ویلیام وایلد (1876 - 1815 میلادی) پدر اسکار وایلد (1900 - 1854 میلادی) درام نویس در کاستلریگ متولد شده و در شهر دوبلین به عنوان پزشک بیماری‌های چشم و گوش به فعالیت پرداخت. مهمترین کتاب وی ملاحظات کاربردی در جراحی‌های گوش و ماهیت و درمان بیماری‌های گوش (1853 میلادی) نام داشت.

این کتاب بیشتر از هر کتاب منتشر شده دیگری اتولوژی بریتانیا را بر پایه‌های علمی متقنی استوار ساخت. وایلد نشان داد که منشاء اکثر بیماری‌های گوش، گوش میانی است. شیوه درمانی وی در درمان ماستوئیدیت حاد که در آن از برشی حدود نیم اینچ پشت لاله گوش و به موازات آن جهت تخفیف فشار پریوستیت ماستوئید استفاده می‌شود، سبب ماندگاری نام وی شده است. نشانه‌های عرضی واقع در کورپوس کولوزوم نیز به نام وایلد منتسب است.

توماس تافل (1875 - 1819 میلادی) تحت نظارت برودی و هاوکینز در لندن به تحصیل پرداخت و در سال 1841 میلادی و وارد خدمات پزشکی ارتش گردید. پس از پایان جنگ کریمه از خدمات فعال کناره‌گیری نموده و برای همیشه در دوبلین سکنی گزید. وی جراح بیمارستان شهر دوبلین و استاد جراحی نظامی دانشکده کالج سلطنتی جراحان بود. وی کتاب‌های نکات کاربردی در درمان آنوریسم با اعمال فشار (1815 میلادی) و درمان موفقیت آمیز آنوریسم داخلی (1864 میلادی) را تألیف نمود. بانداژ مستمر با تنزیب آغشته شده با ترکیب آرد و سفیده تخم مرغ به بانداژ تافل موسوم است.

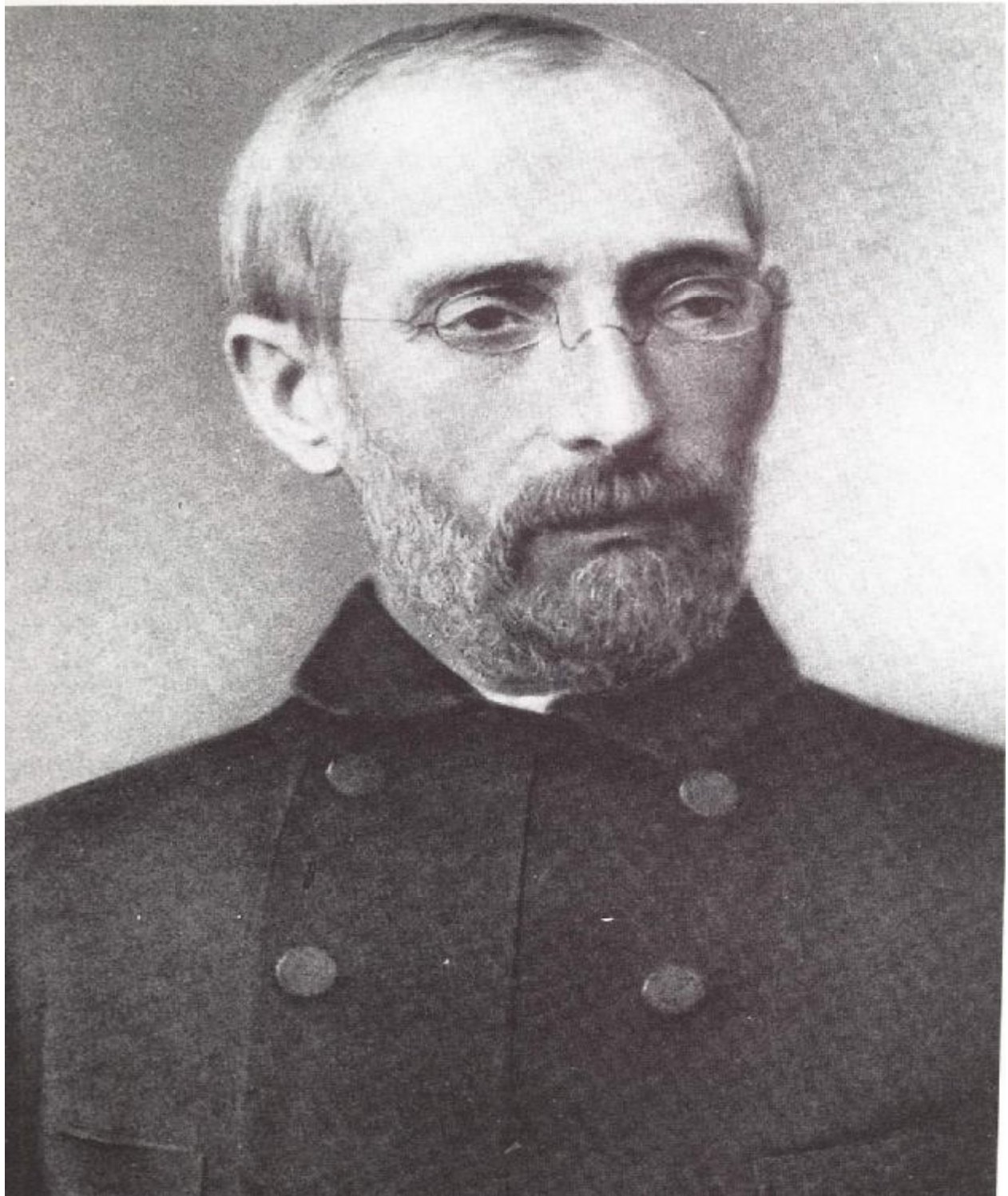
ژوزف گامجی (1886 - 1828 میلادی) فرزند یک دامپزشک بود و در کالج دانشگاه لندن تحصیل نمود. بخش اعظم زندگی حرفه‌ای گامجی در مقام جراح بیمارستان ملکه در بیرمینگهام سپری شد. وی پانسمان خشک زخم‌ها را توصیه می‌نمود. پانسمانی که از یک لایه پارچه نخی ضخیم جاذب بین دو لایه گاز جاذب رطوبت تشکیل شده و در پانسمان زخم‌های جراحی بکار می‌روند به نام وی موسوم است. مهمترین آثار وی عبارتند از: *On the Advantage of the Starched Apparatus in the Treatment of Wounds (1878) و Treatment of Fractures and diseases of joints (1853)*.

جان اتان هاچینسون (1913 - 1828 میلادی) در بیمارستان سنت بارتلمی به تحصیل پرداخت و در مقام جراح بیمارستان لندن و استاد جراحی کالج سلطنتی جراحان انگلستان (1883 - 1879 میلادی) خدمت نمود. وی همچنین سردبیری *Archives of Surgery* (1889 - 1899 میلادی) یکی از نخستین گاهنامه‌های مرتبط با جراحی را به عهده داشت. جراح و پاتولوژیست مجرب و متبحری بود. وی مقالات و کتاب‌های متعددی نگاشت و در سال 1858 میلادی در مقاله‌ای *Notched Incisors* در سیفیلیس مادرزادی را توصیف نمود. تریاد بالینی کراتیت اینترسیتیشیل، *Notched Incisors* و بیماری لایبرنتی که در سیفیلیس مادرزادی دیده می‌شود نیز تریاد هاچینسون خوانده می‌شود. در سال 1871 وی نخستین عمل جراحی موفق در یک شیرخوار مبتلا به اینتوساچشن را انجام داد.

خارش تابستانی (1878 میلادی)، دیس هیدروز، سارکوئیدوز، هیدرآدنیت چرکی تخریبی و واریسلا گانگرنوزا (1882 میلادی) لوپوس هیلیارد (1889 میلادی) و آنژیوم سرپیژینوزوم (1891 میلادی) برخی از مشاهدات کلینیکی وی می‌باشند.

نام هاچینسون با کوروئیدوپاتی منقوط سنی، پروجریا (نوعی پیری زودرس ارثی)، سیمایی خاص که با افتادگی پلک‌ها و بی‌حرکتی چشم‌ها در افتالموپلژیا همراه است، احساسی در تابس دورسالیس که بیمار احساس می‌کند چهره‌اش توسط ماسک یا تار عنکبوت پوشیده شده است و اتساع بی‌حرکت مردمک در طرف ضایعه همراه با تنگی مردمک در طرف مقابل که در خونریزی‌های مننژی که عصب زوج سوم را در قاعده مغز تحت فشار قرار می‌دهند دیده می‌شوند، همراه است.

تصویری از جراحی بالینی (1875 میلادی) و مباحثی درباره جراحی بالینی (1879 میلادی) از کتاب‌های تألیفی وی می‌باشند. توماس اوون هیو (1891 - 1834 میلادی) هم در ادینبورگ و هم در لندن آموزش دیده و در سال 1858 میلادی مدرک *M.R.C.S.* خود را دریافت نمود. وی در لیورپول به طبابت پرداخته و در جراحی ارتوپدی تخصص یافت و ارتوپدی نوین بریتانیا را بنیاد نهاد. توماس هرگز نزد هیچ یک از اساتید دانشگاه به کارآموزی نپرداخت و هرگز نیز مدرس جراحی یا جراح آنکال نبود. با این وجود وی قادر بود عقاید خود را به ویژه در زمینه شکستگی‌ها در اعمال بالینی خود بکار بندد. در کتاب بیماری‌های مفاصل هیپ، زانو و پا و ناهنجاری‌های آنها، درمان با روشی نوین و کارآمد (1875 میلادی) اسپلینت محکمی از میله‌های فولادی خمیده برای شکل‌دهی اندام‌ها که با گچ‌گیری ثابت نگه داشته می‌شد را معرفی نمود. نام وی همچنین به اسپلینت فلزی سفت و سختی که از حلقه دور کمر تا پایین پا ادامه می‌یافت و اعمال کشش در شکستگی‌ها را میسر می‌ساخت و یا در موارد اورژانس و انتقال بیماران مورد استفاده قرار می‌گرفت، اطلاق شده است.



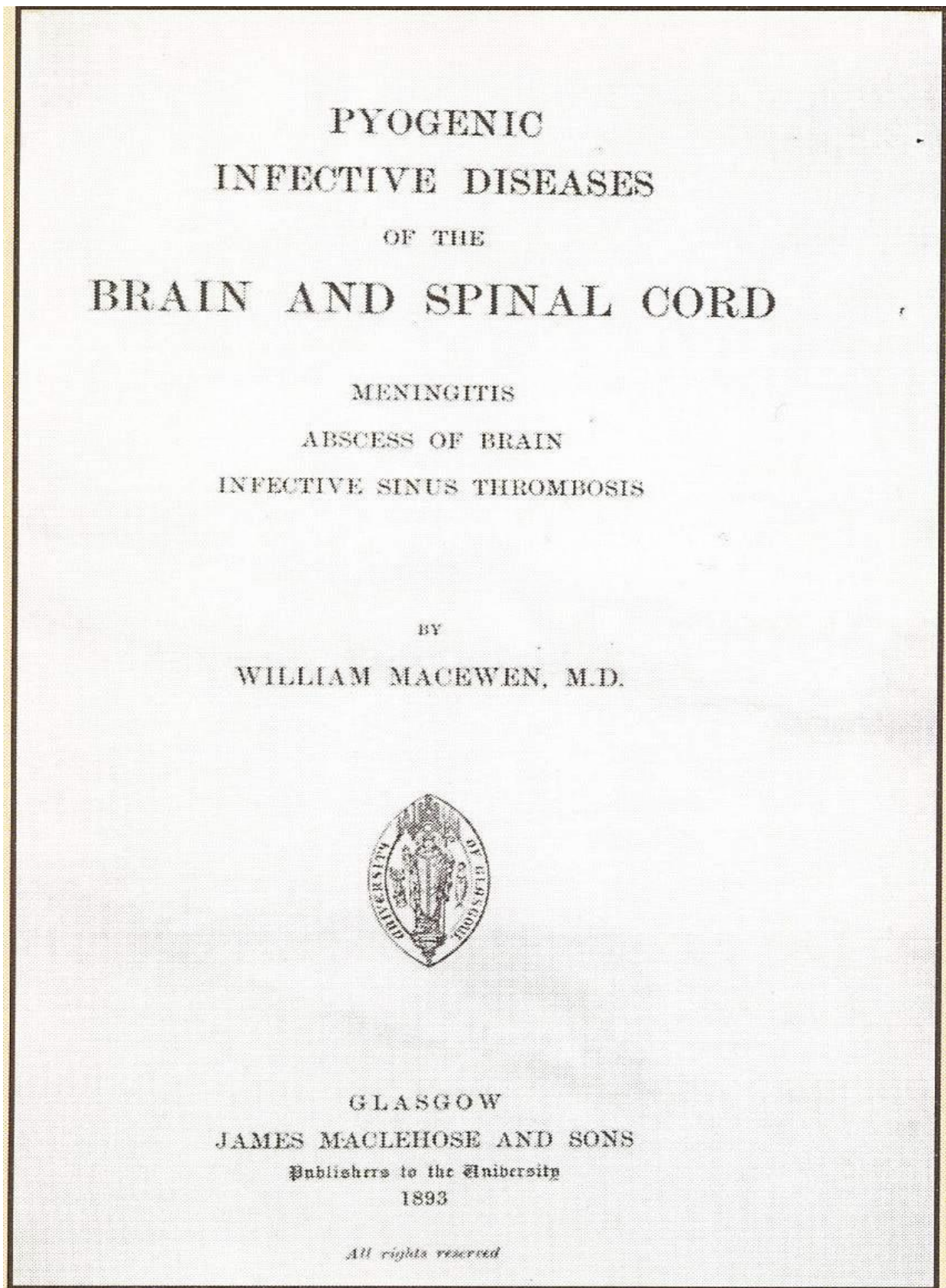
تصویر 1- هیو اوون توماس « اسپلینت و پاشنه » توماس؛ وی که از تبار شکسته بندان سنتی بوده، از آموزش‌های فوق‌العاده‌ای در پزشکی برخوردار گردید و به یکی از برجسته‌ترین مبتکرین جراحی ارتوپدی بدل گردید. اگر چه در مقایسه با همکارانی که ذهنیت سنتی داشتند، توماس به نتایج عملی بهتر و برتری دست یافت، فقدان تدبیر و دیپلماسی مناسب موجب به چشم نیامدن موفقیت‌ها و ابداعاتش گردید و در نتیجه مسئولیت انتقال ابتکارات و ابداعات توماس به جامعه جراحی بر دوش خواهرزاده‌اش رابرت جونز (Robert Jones) افتاد که وی با انجام این مسئولیت، جراحی ارتوپدی در سراسر جهان را متحول نمود (شرکت جرمی نورمن و همکاران).

مورل مکنزی (1837 - 1892 میلادی) بینانگذار لارنگولوژی مدرن بریتانیا بوده و در سال 1863 میلادی بیمارستان بیماری‌های حلق در گلدن اسکویر لندن را تأسیس نمود. اولین بیمارستانی در جهان که منحصراً به بیماری‌های حلق اختصاص داشت. ژورنال لارنگولوژی نیز توسط مکنزی راه اندازی گردید. کاربرد لارنگوسکوپ در بیماری‌های حلق همراه با پیوستی درباره رنیوسکوپ (1865 میلادی)، مقالاتی درباره توده‌های حنجره (1871 میلادی) و مجموعه دو جلدی دست نوشته‌هایی درباره بیماری‌های حلق و بینی (1884 - 1880 میلادی) از مهمترین آثار مکنزی هستند.

رابرت لاوسن تیت (1845 - 1899 میلادی) از اهالی ادینبورگ بوده و در همان شهر تحت نظارت جیمز یانگ سیمپسون (1811 - 1870 میلادی) به تحصیل پرداخت. در سال 1871 میلادی به بیرمینگهام نقل مکان نموده و مابقی زندگی خود را در آن شهر گذراند. وی نخستین جراح بریتانیایی بود که آپاندیسیت حاد را تشخیص داده و با برداشتن زائده آپاندیس آن را درمان نمود (1880 میلادی). وی اعمال جراحی برجسته دیگری نیز انجام داده است. بیشترین نقش و مشارکت بالینی وی را می‌توان در جراحی‌های ژنیکولوژیک به ویژه اوبیوتومی یافت. در 1879 میلادی تیت برداشتن تخمدان‌های نرمال را گزارش نمود و دو سال بعد ضمامم رحمی را خارج نمود. کتاب خلاصه‌ای کلی از نتایج یک هزار جراحی شکمی (1884 میلادی) موید این نکته است که وی احتمالاً برجسته‌ترین اوبیوتومیست سده نوزدهم بوده است. در اواخر دهه 1880 میلادی تکنیکی برای جراحی رکتوسل ابداع نموده و این روش را پریئتوپلاستی نام نهاد. وی اولین فردی است که فیبروم تخمدان همراه با افیوژن پلور (1892 میلادی) را توصیف نمود. بیشتر توجهات بالینی تیت به جراحی‌های مامایی متمرکز بود و در 1884 میلادی اولین جراحی موفق در حاملگی نابجای پاره شده را انجام داد. چهار سال بعد وی تجربیات گسترده خود را در کتابی نا بام مقالاتی درباره حاملگی نابجا و هماتوسل لگنی منتشر ساخت. در 1890 میلادی انجام عمل جراحی سزارین در موارد جفت سرراهی را گزارش کرد. به لیگاتور دوگانه‌ای که از پایک‌های تومور تخمدانی گذر کرده و ... و قاعده‌ای که توصیه به لاپاراتومی تشخیصی در بیماری‌های شکمی و لگنی که حیات بیمار را تهدید می‌کنند به نام تیت خوانده می‌شود. در 1884 میلادی تیت به شکل‌گیری و سازماندهی انجمن ژنیکولوژی بریتانیا کمک نمود و دومین فردی بود که بر مسند ریاست انجمن قرار گرفت. تیت منتقدی پرهیاهو بوده و غالباً با دیده تحقیر به لیستر و پژوهش‌های تجربی وی می‌نگریست. وی هیچ‌گاه متقاعد به بیماری‌زایی باکتری‌ها نشد ولی با این وجود با تأکید بیش از اندازه بر پاکیزگی و تمیزی مطلق، نزدیکی قابل ملاحظه‌ای به تکنیک‌های آسپتیک داشت.

ویلیام مک اون (1848 - 1934 میلادی) در بیمارستان و درمانگاه سلطنتی گلاسکو به تحصیل پرداخت و در 1869 میلادی دستیار ارشد جراح مک لود گردید. در 1875 میلادی مک اون در مقام آسیستان جراحی استخدام شده و 2 سال بعد به مقام جراح بیمارستان سلطنتی رسید. در 1892 میلادی وی در پست استاد جراحی جانشین مک لود شده و اعمال بالینی خود را از درمانگاه و بیمارستان سلطنتی به درمانگاه و بیمارستان غرب (وسترن) انتقال داد. پس از مرگ لیستر، مک اون یکی از برجسته‌ترین جراحان در قید حیات بریتانیا بود. کتاب "رشد استخوان‌ها" (1912 میلادی) که حاوی پژوهش‌های وی درباره استخوان‌سازی بود، از مهمترین آثار وی محسوب می‌شود. در مشهورترین مقالات خود به بحث درباره نخستین پیوند آلوگرافت استخوان در انسان (1881 میلادی) روشی جهت درمان قطعی فتق اینگوئینال که در آن ساک فتق در داخل یک پد (Pad) تا شده و حلقه داخلی را مسدود می‌سازد و رینگ به صورت لایه لایه بسته می‌شود (1886 میلادی) و برداشتن بخشی از ریه چپ به علت ابتلا به سل (1906 میلادی) می‌پردازد.

وی بزرگترین اعمال بالینی خود را در حوزه جراحی‌های اعصاب (نوروسرجری) انجام داده که جزئیات آن در کتاب بیماری‌های عفونی و پیوژنیک مغز و طناب نخاعی (1893 میلادی) و اطلس همراه آن با عنوان اطلس برش‌های سر شرح داده شده است. در این آثار وی گزارش کامل 65 بیماری را که تحت نظر وی قرار داشتند، همراه با جزئیات اعمال جراحی انجام شده بر روی هر یک ارائه می‌کند. مک اون همراه با فدور کراوز (1856 - 1937 میلادی) و هاروی کوشینگ (1869 - 1939 میلادی) از پیشگامان ایجاد جراحی‌های اعصاب به عنوان یک تخصص جراحی بودند.



مک اون همچنین نخستین جراحی بود که هوشبری (کلروفورم) را از طریق لوله تراشه‌ای فلزی (بیهوشی اندوتراکئال) تجویز نمود. استئوتومی سوپراکوندیلوئید فمور در درمان ژنواالگوم، دق جمجمه در مبتلایان به هیدروسفالی که صدایی شبیه ظرفی ترک دار ایجاد میکند و مثلث سوپراماتال به نام مک اون موسوم می‌باشند. در 1889 میلادی از مک اون درخواست شد که سمت جراح ارشد بیمارستان جان هاپکینز بالیتور را بپذیرد. وی از پذیرش این سمت سر باز زد و در نهایت ویلیام هالستد انتخاب گردید. اگر مک اون این سمت را پذیرفته بود تاریخ جراحی بکلی متفاوت از تاریخ موجود می‌گشت زیرا 1) پیشرفت و موفقیت‌های هالستد در بیمارستان جان هاپکینز رخ نمی‌داد. 2) اعمال جراحی اعصاب هاروی کوشنیک تا حدی به محاق می‌رفت. 3) از آنجا که مک اون برای پرستاران تنها نقشی ثانویه و محدود به حمایت (مددکاری یا رل حمایتی) قائل بود، پیدایش و حرفه‌ای شدن رشته پرستاری در ایالات متحده عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌گرفت. در سال 1922 میلادی مک اون مقام ریاست انجمن پزشکی بریتانیا را به عهده داشت.

آرتور مایو - رابسون (1853 - 1933 میلادی) آموزش‌های پزشکی خود را در دانشکده پزشکی لیدز دریافت نمود و از 1890 تا 1904 میلادی مقام استادی جراحی در محل تحصیل سابق خود را به عهده داشت و همزمان به عنوان جراح در بیمارستان عمومی لیدز نیز خدمت می‌کرد. پس از 1904 میلادی مایو - رابسون به لندن نقل مکان نمود و در آنجا بیماران بسیاری داشت. در 1901 میلادی مایو - رابسون با همکاری دانشجوی خود موبنی هان کتاب بیماری‌های معده و درمان جراحی آنها را تألیف نمود. نقطه‌ای درست در بالا و سمت راست ناف که در بیماری‌های پانکراس حساس می‌گردد، وضعیتی که بیمار به پشت دراز کشیده و بالشتک ضخیمی در ناحیه لومبوساکرال قرار می‌گیرد. تا لوردوز شدیدی ایجاد کند و در عمل جراحی کیسه صفرا مورد استفاده قرار می‌گیرد، موسوم به نقطه و وضعیت مایو-رابسون می‌باشند. در 1897 در مقام ریاست انجمن ژنیکولوژی بریتانیا خدمت نمود.

فردریک تروس (1853 - 1923 میلادی) در 1867 میلادی دانشجوی بیمارستان لندن شده و تمامی دوران زندگی حرفه‌ای خود را در این بیمارستان گذراند. تروس جراح پادشاه بوده و در 1902 میلادی مبادرت به جراحی آپاندکتومی ادوارد هفتم (1841 - 1910 میلادی) نمود و به واسطه آن لقب بارونت را دریافت نمود. داستان‌های جالبی که دربارهٔ درمان جان مریک بیمار جوانی مبتلا به نوروفیبروماتوز که مرد فیلی خوانده می‌شود روایت می‌شود موجب ماندگاری نام تروس شده است. عمده‌ترین اثر مکتوب تروس کتاب انسداد روده (1884 میلادی) است که بخاطر آن جایزه جکسون را دریافت نمود. چین ایلئوسکال نیز چین تروس خوانده می‌شود.

ویلیام بتل (1855 - 1936 میلادی، William Battle) در لندن طبابت می‌نموده و در آنجا برش عمودی در دیواره شکم همراه با تراکسیون عضله راست به طرف داخل (1895 میلادی) را شرح داد. در 1901 جزئیات شیوه جراحی خود در درمان فتق فمورال (رانی) را توصیف نمود. اکیموز پشت لاله گوش که در شکستگی‌های قاعده جمجمه دیده می‌شود نیز به نشانه بتل (Battle's Sign) موسوم است.

ویلیام آربوتنات لین (1856 - 1943 میلادی، Arbuthnot Lane) اهل اسکاتلند بوده و در بیمارستان گای به تحصیل پرداخت. و در نهایت به مقام جراح ارشد بیمارستان خیابان اورموند و محل تحصیل سابق خود دست یافت. مهمترین کار جراحی وی درمان استاز مزمن روده‌ای با برش قسمتی از روده باریک بود که در کتاب درمان جراحی یبوست مزمن (1909 میلادی) شرح داده شده است. بعید به نظر می‌رسد که جراح دیگری چه پیش از لین و چه پس از وی مبادرت به انجام این تعداد کولکتومی کرده باشد. پژوهش‌های وی در زمینه جراحی‌های ارتوپدی نیز که شامل درمان شکستگی‌ها با نزدیک کردن کامل قطعات شکسته استخوانی به هم از طریق مداخلات جراحی (1854 میلادی) و استفاده از پیچ و پلاک جهت تسریع جوش خوردن شکستگی‌ها بود (1907 میلادی) بخوبی موجب اشتهار وی شده است.

لین مقاله مهمی درباره ماستوئیدکتومی جهت درناژ مؤثر عفونت‌های چرکی گوش میانی نوشت (1892 میلادی) باندی مادرزادی در ایلئوم دیستال که حدس زده می‌شود موجب استاز روده‌ای می‌گردد، ارتیم پالمار ارثی (کف دست)، عمل دکمپرسیون با برداشتن سگمانی استخوانی از سقف جمجمه و پلاک‌های فلزی باریک و مسطح در شکل و اندازه‌های مختلف همراه با سوراخ‌هایی برای پیچ و مهره که جهت کنار هم نگه داشتن قطعات شکسته استخوانی استفاده می‌شوند به نام لین منسوب می‌باشند.

Whereas, by a Certificate from the Master, Governors, and Commonalty of the Art and Sciences of SURGEONS of LONDON, bearing date the 5th Decem^r 1799 We are informed of your Ability and Fitness to serve as MASTER SURGEON of any of his Majesty's Ships of the Second Rate, and whereas you have been found qualified in Physic for a Third Rate, and you having received a Copy of the Instructions proper for your Place, attested by Our Secretary, and the Seal of this Office. These are therefore to authorise and require you forthwith to repair on Board His Majesty's Ship the *Fairy*, and take Charge of her as MASTER SURGEON, during her present intended Voyage, officiating in all things proper to the Duty of your Place, as becometh you, and to be obedient to such Commands as you shall from time to time receive from your Captain, or other superior Officer in his Absence. For which this shall be your Warrant. Dated of the Office for Sick and Wounded Seamen the 15th July 1807

Wm. Walker
Wm. Ware

To

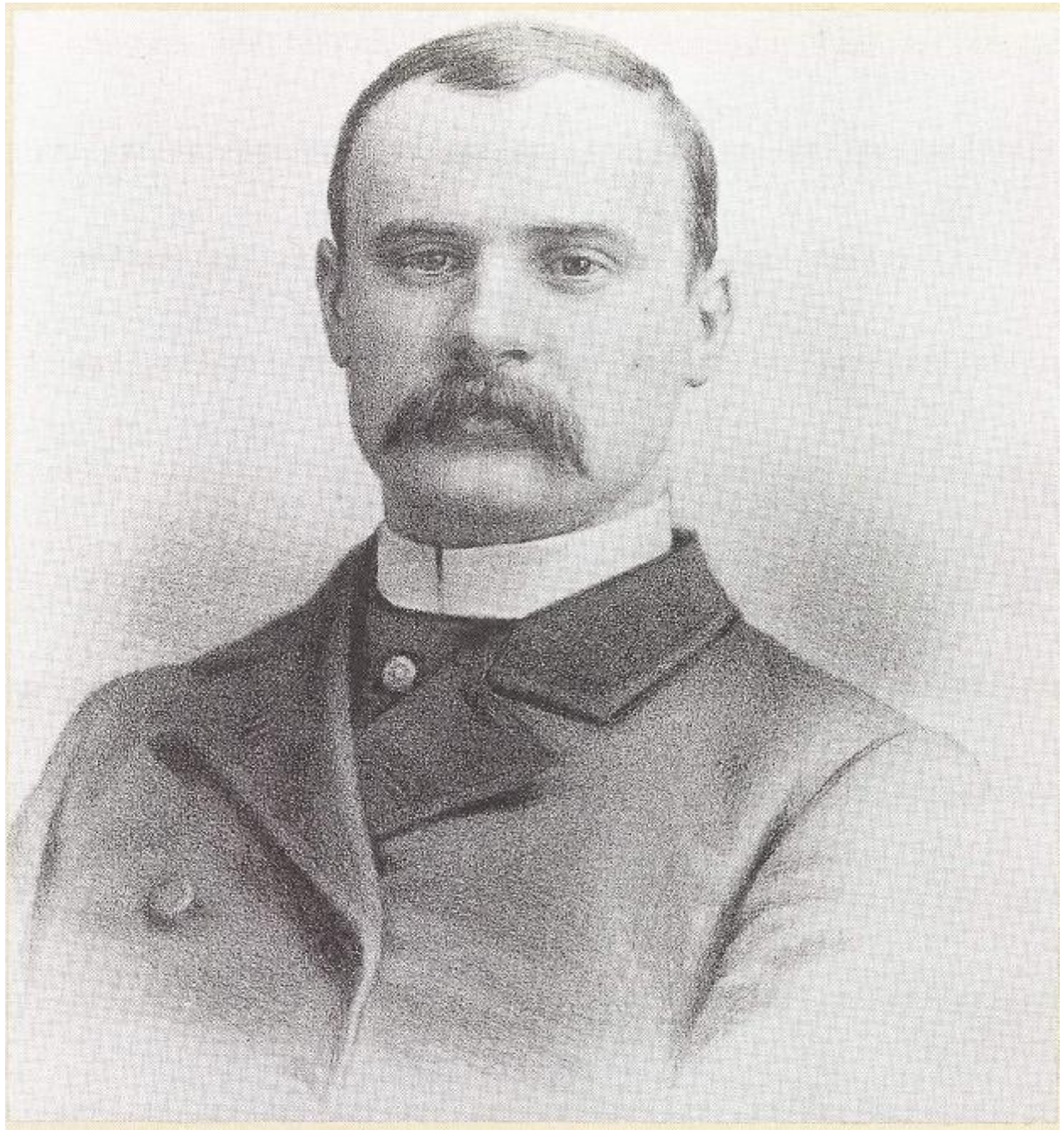
Mr. William Walker / 3/ hereby appointed
 SURGEON of His Majesty's
 Ship *Fairy*

تصویر 3- تصویر انتصاب رسمی یک جراح شاغل در کشتی که به امضای سر ژیلبرت بلین (1749 - 1834 میلادی، Sir Gilbert Blane) رسیده است. ویلیام واکر (William Walker) جراح در تاریخ 15 جولای 1800 به عنوان جراح ارشد کشتی تک دکله پادشاهی موسوم به « پری دریایی » منصوب شده است. گواهینامه فوق مؤید این نکته است که واکر می‌بایست حائز برخی صلاحیت‌ها و قابلیت‌ها بوده باشد تا به این مقام برگزیده شود. بلین جراح ارشد ناوگان دریایی بریتانیا بوده است (شرکت جرمی نورمن و همکاران).

ویکتور هورسلی (1857 - 1916 میلادی، Victor Horsley) یکی از اولین جراحان اعصاب انگلستان بود. وی در بیمارستان کالج دانشگاهی لندن تحصیلات پزشکی خود را به اتمام رساند. قسمت اعظم زندگی حرفه‌ای وی نیز در مقام جراح در محل تحصیل سابق وی سپری شد. علائق اولیه وی به نورولوژی وی را به بیمارستان ملی برای مصدومین و بیماران افلیج کشاند. وی نقش مهمی در پیشرفت دانش جراحی داشت و از جمله نشان داد که میکزدم، کرتینیسم و کاشکسی همگی ناشی از کمبود هورمون‌های تیروئید می‌باشند (1884 میلادی) وی نخستین عمل جراحی موفق هیپوفیزکتومی تجربی را انجام داد (1886 میلادی). مطالعاتی در زمینه عملکرد بخش‌های مختلف نیمکره‌های مغزی (1887 میلادی)، نشان دادن جریان‌های الکتریک تولید شده مغز پستانداران (1891 میلادی) و ابداع وسیله‌ای استریوتاکتیک جهت تعیین محل دقیق قرارگیری الکترودهای مغزی (1908 میلادی) از بررسی‌ها و تجربیات نورولوژیک وی می‌باشند. در 1888 میلادی هورسلی نخستین جراحی موفقیت آمیز برداشتن تومور اکسترا مدولاری طناب نخاعی را انجام داد. وی همچنین نوعی عمل جراحی برای درمان نورالژی عصب سه قلو ابداع نمود که در آن از طریق برش تمپورال گانگلیون (عقده) گاسرین برداشته می‌شود (1891 میلادی). آزمونی برای پی بردن به وجود قند در ادرار که در آن در صورت وجود قند در ادرار با جوشاندن ادرار همراه با هیدرات پتاسیم و کرومات پتاسیم رنگ سبز ایجاد می‌شود و موم استخوانی (Bone Wax) به نام هورسلی خوانده می‌شوند. هورسلی در سن 50 سالگی از مقام جراحی بیمارستان کالج دانشگاه کناره‌گیری نمود و وقت خود را عمدتاً صرف امور سیاسی نمود وی از هواداران آرمان‌های سیاسی نه چندان محبوب و عمومی نظیر اعطای حق رای به زنان و یا منع مصرف نوشابه‌های الکلی بود. با شروع جنگ جهانی اول هورسلی به عنوان جراح مشاور به خدمت احضار شد و بالاخره در صحراهای بین النهرین (میان رودان) در اثر گرمادگی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

رابرت جونز (1858 - 1933 میلادی) مدرس جراحی ارتوپدی در بیمارستان شهر لیورپول بوده و در مقام جراح ارتوپد درمانگاه و بیمارستان سلطنتی آن شهر خدمت می‌نمود. بعدها به ریاست بخش ارتوپدی بیمارستان سنت توماس لندن انتخاب گردید. وی آموزش‌های اولیه ارتوپدی را از دایی خود هیو او توماس کسب نموده و به گسترش عقاید انقلابی وی مدد رساند. در نتیجه جایگاه و اعتبار حرفه‌ای دایی خود و همچنین جایگاه جراحی ارتوپدی را به عنوان یک رشته تخصصی تقویت و تثبیت نمود. انتخاب جونز به مقام ریاست گروه ارتوپدی ارتش بریتانیا در طی جنگ جهانی اول بر شهرت و اعتبار حرفه‌ای وی افزود. در 1896 میلادی جونز نخستین گزارش استفاده بالینی از اشعه ایکس (X-Ray) را با کاربرد آن در تعیین محل گلوله در مچ دست ارائه نمود. مهمترین کتاب وی جراحی ارتوپدی نام داشت که با همکاری رابرت لووت (1859 - 1924 میلادی) تألیف نمود. سایر آثار وی عبارتند از: آسیب مفاصل (1915 میلادی) و نکاتی درباره ارتوپدی نظامی (1917 میلادی). وی از هواداران پرشور ترانسپلانئاسیون تاندون‌ها، گرافت‌های استخوانی و سایر روش‌های محافظه کارانه بازسازی بود.

ریکمن گادلی (1859 - 1925 میلادی) تحصیلات پزشکی خود را در بیمارستان کالج دانشگاه لندن به پایان رسانده و بعدها به مقام استادی جراحی بالینی و استاد مقیم بیمارستان یاد شده دست یافت. وی خواهرزاده لیستر و یکی از پیروان پرشور و عمده اصول لیستر در اواخر سده نوزدهم لندن بود. گادلی مقام ریاست کالج سلطنتی جراحان انگلستان را به عهده داشت (1913 - 1911 میلادی) و همچنین جراح دربار ملکه ویکتوریا بود. مهمترین کار جراحی وی تشخیص اولین مورد شناخته شده تومور مغزی، تعیین محل دقیق آن به طریق بالینی و برداشتن تومور از طریق جراحی بود (1884 میلادی).



تصویر 4 - 6 - فردریک تره وس افسر جراح پادشاه انگلستان و مشهورترین بیمارش جان مریک « مرد فیلی » که توسط تره وس نجات یافته و از سال 1886 میلادی تا زمان درگذشتش در سال 1890 میلادی در اتاقی در بیمارستان لندن نگهداری می‌شد. 9 نمایشنامه و 9 فیلم سینمایی که بر اساس روایت خود تره وس ساخته شده، نتوانسته‌اند میزان واقعی و یا طیف حقیقی ناهنجاری‌های مریک را به تصویر بکشند که ناشی از موردی وحشتناک و مخوف از نور و فیبر و ماتوز بوده است. با وجود این هر دو (هم نمایشنامه و هم فیلم) روایتگر تضاد و تقابل بینی روح شریف و رمانتیک مریک با ظاهر کریه و زنده وی بوده‌اند (هیئت امنای ولکام تراست، لندن).



تصویر 5- جان مریک « مرد فیلی »



تصویر 6- جان مریک « مرد فیلی »

برکلی موبینی هان (1865 - 1936 میلادی) در جزیره مالت به دنیا آمده و تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده پزشکی دانشگاه لیدز گذراند. سپس مدرک کارشناس پزشکی و کارشناس جراحی (MB, BS) خود را از دانشگاه لندن دریافت نمود. موبینیان در آغاز با جراحی بنام توماس جاسب (Thomas Jessop) (1837 - 1903 میلادی) در لیدز همکاری می‌نمود و بعدها دختر وی را به همسری گزید. از 1907 تا 1927 میلادی موبینیان جراح بیمارستان عمومی لیدز بوده و سپس به مقام استاد جراحی بالینی دانشگاه لندن دست یافت. در طی جنگ جهانی اول وی جراح ارشد ارتش بریتانیا در فرانسه بود. وی جراح برجسته بیماری‌های گوارش بوده و متون معتبر متعددی تألیف نموده که کتاب بیماری‌های معده و درمان جراحی آنها (1901 میلادی) که با همکاری استادش مایو - رابسون تألیف نموده و زخم اثنی عشر (1910 میلادی) که در آن توالی و ترتیب شناخته شده علام درد - مصرف غذا - تسکین علائم را توصیف نمود از آن جمله هستند. موبینیان تأکید زیادی بر توالی شناخته شده علائم فوق داشت. وی بیش از هر جراح دیگری درمان جراحی بیماری زخم اثنی عشر را تثبیت نمود. از تألیفات دیگر وی می‌توان از بیماری‌های پانکراس (1902 میلادی) و سنگ‌های صفراوی و درمان جراحی آنها (1904 میلادی) نام برد. قسمت اعظم اواخر زندگی حرفه‌ای وی در لندن سپری شد و در آنجا مشارکت فعالی در سازماندهی تشکیلات و مدیریت امور کالج جراحان انگلستان داشت. وی عضو شورای سردبیری ژورنال جراحی بریتانیا (*British Journal of Surgery*) و ژورنال کالج جراحان آمریکا، جراحی ژنیکولوژی و مامایی (*Surgery, Gynecology & Obstetrics*).

دبلیو ارنست مایلز (W. Ernest Miles) (1869 - 1947 میلادی) آموزش‌های جراحی خود را در بیمارستان سنت بارتلمی گذرانده و در آنجا در ابتدا به جراحی‌های کولون و رکتوم علاقمند گردید و بعدها در مقام جراح بیمارستان سرطان در برومپتون و بیمارستان گوردون ویژه بیماری‌های رکتوم برگزیده شد. در 1908 میلادی مایلز گزارش عمل جراحی رزکسیون ابدومینوپرینئال یک مرحله‌ای جهت سرطان رکتوم را ارائه نمود.